

تشخیص مصلحت تشکیل شد که بعدتر به مجمع تشخیص مصلحت نظام تبدیل شد تا در اختلاف میان عرف (مجلس) و شرع (شورای نگهبان) جانب مصلحت را بگیرد. هر چند ناصرالدین شاه قاجار هم مصلحت‌خانه‌ای تأسیس کرده بود اما عملاً فعالیتی نکرد و با ایده رهبر فقید انقلاب متفاوت بود و از این رو دومین تنوری امام خمینی (بعد از ولایت فقیه) شناخته شد. قانون کار به این مجمع ارجاع و در آن تصویب شد و از این رو می‌توان گفت احمد توکلی با اصرار بر شرع و کاملاً ناخواسته موجب رویکرد حکومت به مصلحت و تأسیس نهاده‌ی برای تأمین این منظور شد.

▼ روزنامهٔ رسالت

احمد توکلی در پی خروج از دولت به روزنامهٔ رسالت رفت یا بهتر است گفته شود در تأسیس آن همت گماشت تا صدای منتقدان سنت‌گرای دولت میر حسین موسوی باشد. مدیر و مؤسس این روزنامه آیت‌الله احمد آذری قمی و رئیس هیأت امنای آن پدر همسر اول عباس عراقچی وزیر کنونی امور خارجه. مشهور است که آذری قمی که اواخر عمر منتقد نظام شد در مخالفت با لایحهٔ دولت دربارهٔ اخذ مالیات فریاد برآورد که «مالیات، حرام است» ووقتی هاشمی‌رفسنجانی رئیس مجلس یادآور شد نظر امام اکنون این است که دولت باید مالیات دریافت کند و نظر قبلی با اقتضائات حکومت‌داری سازگار نیست، او هم متقابلاً گفت: این هم نظر من است!

گفته می‌شود انتقادات ارگان راست سنتی از دولت مورد حمایت امام به جایی رسید که رهبر فقید انقلاب مدتی ارسال روزنامهٔ رسالت به جبهه‌های جنگ را ممنوع کردند تا روحیهٔ رزمندگان تضعیف نشود زیرا منتقد دولتی بود که در وضعیت جنگی کشور را اداره می‌کرد گاه با تنها ۷ میلیارد دلار درآمد سالانه.

این نکته هم جالب است که رسالت در گذر زمان از ارگان راست سنتی به نواصول گریان متمایل شد!اکنون بیشتر صدای طیف قالیباف است تا راست سنتی.

▼ کاندیدای ریاست جمهوری

هر چند فضای سیاسی کشور بعد از درگذشت امام خمینی در خرداد ۶۸ تغییر کرد و راست‌گرایان میدان مانور بیشتری به دست آوردند اما خبر چندانی از احمد توکلی نبود و گفته شد در همین سال‌ها برای ادامه تحصیل به انگلستان رفته است. او البته رشته تحصیلی قبلی خود را که به پایان هم نرسانده بود ادامه نداد و از نوبه تحصیل پرداخت منته‌ا در رشته اقتصاد و در دانشگاه شهید بهشتی ولی بعد از لیسانس رهسپار انگلستان شد در حالی که در محافل عمومی اعلام نمی‌کرد و در رفت‌وآمد بود.

بعد از دوم خرداد ۷۶ که روزنامهٔ «فردا» را راه انداخت و در ایام نمایشگاه مطبوعات در غرفهٔ خود در حال انتقاد از اصلاح‌طلبانی بود که آن زمان با عنوان دوم خردادی شناخته می‌شدند و هنگامی که مورد مشخص «جراحی‌پور» را مثال زد با این وصف که بعد از تحصیل در انگلستان لیبرال شده، دانشجویی به یوا‌ی‌آور شد شما هم البته رفته بودید منتهای‌بی سروصدا و توکلی دیگر ادامه نداد.

چراغ روزنامهٔ فردا هم که از عکس پرهیز داشت در اوج استقبال از مطبوعات ناگهان خاموش شد. شهرت غالب آقای توکلی در دههٔ ۷۰ البته به خاطر رقابت با هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۲ است. بعد از اولین دوره ریاست‌جمهوری روال این شده بود که بر سر نامزد اصلی توافق می‌شد و حسب ظاهر چند نفر نامزد می‌شدند. در سال ۶۸ کسی حاضر به این رقابت صوری هم نشد و تنها عباس شیبانی را مجاب کردند تا بیاید تا شاید با توجه به سابقهٔ عضویت در نهضت آزادی ایران ادعا کنند نامزد نهضت است در حالی که نهضت انتساب او در آن مقطع و نه پیشینه را تکذیب کرد. در سال ۷۲ هم کاندیداتوری عبدالله جاسبی ورجب‌علی طاهری و احمد توکلی به‌همین سیاق اعلام شد اما چندی بعد هم خود توکلی قضیه را جدی گرفت و هم شماری از رأی‌دهندگان خاصه مردم استان کرگستان که هاشمی را نماد قدرت می‌دانستند، تصمیم به رأی معنی‌دار به رقیب گرفتند و این گونه بود که آقای هاشمی به ۱۰ میلیون نفر فروکاست‌به‌انکای همین تضعیف‌بود که مجلس چهارم توانست سیاست تعدیل را با حذف دکتر محسن نوربخش عملاً تعطیل کند. توکلی رئیس‌جمهور نشد اما آقای هاشمی را شکست و ۱۲ سال بعد احمدی‌نژاد همین شیوه را الگو قرار داد و وارد زمینی شد که با طرح تثبیت قیمت‌ها هموار شده بود.

خود آقای توکلی هم یک‌بار دیگر در سال ۱۳۸۰ نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری شد تا «دولت پاک» و «جمهوری دوم» تشکیل دهد. سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهوری مستقّر و محبوب، نامزد اصلاح‌طلبان بود و شورای نگهبان در حمایت از اردوگاه مقابل بیشترین شمار نامزدها را تأیید کرده بود شاید با این گمان که هر یک با کسب یک میلیون رأی، خاتمی ۲۰ میلیونی را مثل هاشمی ۱۰ میلیونی کنند اما آرای بیشترشان از رأی باطله هم کمتر شد و تنها احمد توکلی از این حیث مانند آنان نشد و آبروی او حفظ شد.

▼ مجلس هفتم و طرح تثبیت قیمت‌ها

چنان که در صدر این نوشته آمد با اِعمال شدید نظارت استصوابی و حذف نمایندگان اصلاح‌طلب، مجلس هفتم با سوگیری‌ای کاملاً عکس مجلس ششم شکل گرفت. اصول‌گرایان که از فتح شورای دوم و مجلس هفتم به شوق آمده بودند بر آن شدند تا دولت و ریاست‌جمهوری را هم از آن خود کنند و بر این اساس در اسفند ۸۲ اصلاحیه پیشنهادی آقای توکلی تصویب شد و در فروردین ۸۴ و سه ماه مانده به انتخابات حداد عادل رئیس مجلس هفتم از آن به عنوان عیدی به ملت یاد کرد. اصول‌گرایان مجلس هفتم البته تبلیغ بر سر این طرح را از پیش شروع کرده بودند. ۲۳ در ۸۲ روزنامهٔ همشهری که حالا به دست تیم «احمدی‌نژاد»ای افتاده بود که سودای ریاست‌جمهوری داشت از قول غلامعلی حدادعادل این‌گونه نوشت: «لایحهٔ بودجهٔ سال ۸۴ که دوروز پیش توسط رئیس‌جمهور (سیدمحمد خاتمی) به مجلس تقدیم شد آخرین بودجهٔ دولت فعلی و اولین بودجهٔ مجلس هفتم در اولین سال برنامهٔ چهارم است که در دستور کار مجلس قرار گرفته است. مجلس هفتم به مردم قول داده با فقر و فساد مبارزه کند و حال باید صداقت خود را در کاهش فقر و تبعیض نشان دهیم و واضح است در اولین قدم نمی‌توان به مقصد رسید ولی نخستین قدم را برداشته است که همانا طرح تثبیت قیمت‌هاست و حالا که قیمت گاز و برق و تلفن افزایش نمی‌یابد مردم می‌توانند نفس را حتی بکشند.»

این در حالی است که تا قبل از هدف‌مندی یارانه‌ها در آذر ۸۹ قیمت برق و گاز و تلفن و حتی بنزین فشاری به مردم وارد نمی‌کرد و مردم با افزایش آرام و پلکانی قیمت‌بنزین در دولت خاتمی کنار آمده بودند! اکنون بعد از ۲۰ سال یادآوری این سخنان برای مردم گرفتار در بی‌آبی و بی‌برقی آزاردهنده است تا چه رسد به این که یادآور شویم قیمت دلار در سال پایانی دولت خاتمی زیر هزار تومان بوده است!

شاید همان طرح بود که در قالب شعار آوردن نفت بر سر سفره مردم و در پی تشتت آرای اصلاح‌طلبان که در مرحلهٔ اول بازی را برده بودند به ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد انجامید و همین امر اندک زمانی بعدتر موجب حسرت و تأسف احمد توکلی شد و اگر چه طی سه‌سالی که حدادعادل رئیس مجلس بود میدان مانوری داشت اما از مجلس هشتم به ریاست علی لاریجانی در کنار علی مطهری قرار گرفت تا احمدی‌نژاد را تعدیل کنند و گام اول همراهی در استیضاح و برکناری علی کردان از وزارت کشور در پی رسوایی مدرک جعلی دانشگاهی بود.

▼ نامه‌های احمد درباره محمود

پس از آن فاصلهٔ توکلی و احمدی‌نژاد مدام بیشتر و بیشتر شد و کار به نامه‌های سرگشاده به خود او یا نمایندگان و نهایتاً در سال ۹۶ و از بیم بازگشت او به شورای نگهبان برای رصلاحت احمدی‌نژاد در انتخابات کشید؛ نامه‌ای که بیشتر شبیه کیفر خواستی علیه احمدی‌نژاد و احتمالاً به قصد ثبت در تاریخ بود تا از او کاملاً اعلام برائت کند.

در آن نامه نوشت: «آقای احمدی‌نژاد به ولایت فقیه پای‌بند نیست. غیر از موارد اعلام‌نشده که سیاستمداران دست‌اندر کار از وی سراغ دارند، شرح دو حادثهٔ روشن در این باره کافی است» و آن‌گاه این دورا چنین یادآور شد: «عدم تمکین نسبت به دستور رهبری در انتصاب مشایی و خودسری در قبال ماجرای عزل وزیر اطلاعات».

شورای نگهبان البته صلاحیت احمدی‌نژاد را تأیید نکرد و بعد از آن و در دولت حسن روحانی احمد توکلی همت خود را مصروف به مبارزه با پدیدهٔ فساد ساخت و «انجمن دیده‌بان شفافیت و عدالت» را احتمالاً با دریافت چراغ سبزهایی به راه انداخت و بعد از آن بیشتر موضع‌گیری‌های او علیه فساد بود.

در همین سال‌های اخیر و حتی بعد از روی کار آمدن ابراهیم رئیسی یک بار درهمایشی در این باره در قم گفت: «اگر چه تحریم بستر بسیار نامساعدی برای وضعیت معیشتی و اقتصاد ملی است ولی نقش فساد از آن بالاتر است. ما که نمی‌توانیم در برابر دشمن قدار و مکار و عهدشکنی مانند آمریکا منتظر لغو تحریم‌ها بمانیم که اگر می‌توانستیم به نظر من باید حداکثر امکان حتی اختیار ولی فقیه را به‌کار می‌گرفتیم. وقتی نقش فساد بیشتر از نقش تحریم است و عمده عوامل رشد آن داخلی است چرا نباید برای مقابله با آن متمرکز شویم؟...

با وجود این که رهبری در طول سال‌های اخیر علیه مفسدان مواضع روشن و محکمی گرفتند، ولی به‌دلیل اینکه فسادپس از طی مر حله سیستماتیک، مر حلهٔ شبکه‌ای شدن را گذرانده و قانون را ابزار تثبیت خود قرار داده، همچنان فساد به رشد خود ادامه داده است. به نظر شما پرورنده چای دیش که ۴۹۰ نفر متهم دارد آیا می‌تواند بدون سازمان‌دهی مرکزی و شبکه‌ای که بتواند از این موضوع پلید حمایت کند، و خودش باقی بماند؟ و با وقتی که وزیر در بودجه، قانون واردات را به مقدار ۴ میلیون دلار مجاز می‌کند، این قانونی شدن فساد نیست؟...»

یا مسألهٔ مولدسازی اموال دولت در تمام قوانین سال‌های اخیر تکرار می‌شود و از هر دری که ببروش می‌کنیم از پنجره‌ای وارد می‌شود و در هر ورود لباس تازه‌ای از قانون را بر تن دارد یا میلیاردها دلار از منابع بسیار محدود کم‌پاب آری سخاوتمندانه صرف‌واردات کالاهای لوکس مانند پورشه می‌کنند و آری برای دارو و کالای اساسی باقی نمی‌ماند.... مبارزه با فساد باید در وهلهٔ اول متوجه یقه سفیدان باشد....

یقه سفیدان عناصری هستند که در محیط اجتماعی آبرومندند و برای خودشان آبرو جمع می‌کنند بر خلاف یقه‌ای‌ها که از دیوار مردم بالا می‌روند، اینها با کت و شلوار و اتوکشیده از دیوار قانون بالا می‌روند.

اولین بار جامعه‌شناس آمریکایی در سال ۱۹۳۶-۱۹۳۹ این اصطلاح را باز و بیان کرد؛ آدم‌های خوش‌آبرو، تحصیل کرده، معمولاً از خانواده‌هایی که آداب معاشرت بلدند، تواضع ریاکارانه نیز یاد می‌گیرند. و از هر مورد در جای مناسب استفاده به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که کسی نقش آنها را نفهمد. آنها بلدند رفتاری خود را کجا بگذارند که محل عبور پول است. الآن برخی از پست‌های شهرداری سرقفل‌ی دارد، حتی استاندار‌ی‌ها!

فساد رکن رکنی است که وضع مردم بیچاره را به اینجا کشانده، وضعیتی که احتمال تنش‌های مردم خشمگین از لابی کردن‌های مسئولان فاسد و مسؤولان ساکت در قوهٔ مقننه، قوهٔ مجریه و از همه مهم‌تر قوهٔ قضائیه، وجود دارد...

برای نجات جمهوری اسلامی از این ورطه راهی جز بی‌گیری رفع تحریم به طوری که اعتماد مردم نسبت به ما را برانگیزد؛ هر چند به‌عملی ختم نشود. اقدام عملی مدیرانه علیه فساد که این نیز اعتمادبرانگیز است وجود ندارد. هشد‌های مکرری را که سال‌های دراز از من شنیده‌اید جدی بگیرید چون اگر بی‌گیری نشود باید از خشم تهی‌دستان برتسید. «او در بیان این جملات آخر به اقتصاددانان نهاده‌اگر شبیه‌شده بوده و انگار دکتر فرهاد مؤمنی بود که هشدار می‌داد.

احمد توکلی در برابر خود، فساد گسترده‌ای را می‌دید در حالی که ۲۰ سال قبل نه الزاماً او که جمعی از اصول‌گرایان همت خود را صرف انکار دستاوردهای دولت‌های سازندگی و اصلاحات کردند تا طرحی نو دراندازند و با فقر و فساد و تبعیض مبارزه کنند و از مجلس ششم به بعد قوه مقننه و طی ۱۱ سال قوه مجریه را کاملاً در دست داشتند و سخنان مرحوم توکلی نشان می‌داد تنها اتفاقی که رخ داد انحراف از مسیر توسعه بود نه حذف فساد.

با این اوصاف گراف نیست اگر گفته شود احمد توکلی آرزو می‌کرد کاش هیچ نقشی در روی کار آمدن احمدی‌نژاد نمی‌داشت و کاش در حافظهٔ مردم با مبارزه موفق با فساد شناخته می‌شد نه نقشی که در طرحی چون تثبیت قیمت‌ها ایفا کرد تا حالا دولت گرفتار ناترازی‌هایی باشد که به‌باور بسیاری با آن مصوبه صنعت برق و آب و گاز را از اصلاح قیمتی دور کرد و به این روز انداخت.

با این همه جانب انصاف و اخلاقی را باید رعایت کرد و خلُق و خوی حسنه او را ستود و به قول علی مطهری اعتماد کرد که با بسیاری از رویه‌ها مانند حصر موافق نبود ولی چه می‌توانست کرد وقتی که راست را دیکیال راست میانه و محافظه‌کار را خاصه بعد از خالص‌سازی ۱۴۰۰ به بعد به کلی کنار زده بود.

در روزهایی که علی اکبر ولایتی و علی لاریجانی از راست میانه به صحنه آمده‌اند تا کشور درگیر جنگی دیگر نشود احمد توکلی هم می‌توانست به این مجموعه پیبوند تا فضا باز شود ولی درگذشت و از این نقش آفرینی ولو از تخت بیماری باز ماند؛ شاید تنها در مراسم تشییع و تدفین او شاهد حضور چهره‌های مختلف باشیم؛ از صادق زیباکلام که فرزند توکلی دیگر داماد او نیست تا فرزند آیت‌الله حائری شیرازی که داماد خود اوست ولی به صف منتقدین ساختاری پیوسته که توکلی نگران آن بود.

این جمله از صادق زیباکلام هم قابل تأمل است که دو بار کمر او شکست: اول به خاطر سیاست‌های احمدی‌نژاد و دوم بعد از آن که داغ فرزند جوان دید و به سوگ «محمد» نشست.

جواد علیزاده

سخنگوی دولت: قیمت کالاها را می دانیم!



عکس نوشت

چه یک نی، چه صد نی

درباره عکسی از رانندگی زیر اشعه UV

در گروه‌های تلگرام و واتس‌اپ نسخه‌های صوتی و تصویری با عنوان هشدار خطر سرطان و مرگ و... به شکل گسترده‌ای در حال پخش شدن است. عمده حرف کسانی که خودشان را دکتر معرفی می‌کنند این است که ملت شریف و عزیز ایران توجه فرمایید، اشعه فرابنفش یا همان UV نوعی از تابش خورشید

است که با چشم انسان دیده نمی‌شود. یعنی نور خورشید علاوه بر گرما و روشنایی، اشعه‌ای نامرئی دارد که می‌تواند برای پوست و چشم بسیار خطرناک باشد. این اشعه در سه نوع A، B و C تعریف می‌شود که نوع اول و دوم به زمین می‌رسند و عامل اصلی آفتاب‌سوختگی، پیری زودرس و حتی سرطان پوست هستند. شاخص UV (UV Index) عددی بین ۰ تا ۱۱+ است که میزان خطر تابش را نشان می‌دهد. در روزهایی که این شاخص بالای ۶ است بین ساعت ۱۰ صبح تا ۴ بعدظهر باید که حتماً و حتماً در سایه بمانید. ضمناً اگر مجبور به حضور در خیابان هستید باید از ضدآفتاب SPF ۳۰ یا بیشتر استفاده کنید. این استفاده هم به این شکل نیست که سر صبح کرم را به پوستتان بزنید و تا شب خیالتان راحت باشد. بلکه هر دو ساعت باید تمدیدش کنید. حرف‌های دکترها را بشنوید و بعد اگر گذرتان به شهر افتاد به اطرافتان نگاه کنید. ظاهراً این روزها عدد UV به حدی است که اصلاً کسی نباید از خانه خارج شود اما احتمالاً شما هم مثل بنده و هزار آدم این شهر دغدغه‌هایی دارید که نمی‌شود در خانه بنشینیم و یا روی پا بیاندازیم. چون حقیقتش را بخواهید آخر ماه صاحبخانه و بانک وفلان طلبکار نه UV می‌شناسند نه SPF. اصلاً کاری ندارد همین که سر ظهر توی شهر بچرخید، مردان و زنان عزیز و شریفی می‌بینید که بین ساعت ۱۰ صبح تا ۴ بعد از ظهر بدون توجه به UV، SPF، در حال کار کردن و در آوردن یک لقمه نان حلال هستند. آن‌ها اقتدر دغدغه دارند که وقتی دربار اشعه و ضدآفتاب از آنها سوال کنی، زیر خنده می‌زنند و می‌گویند: دلت خوش است؟ به همین عکس نگاه کنید. راننده‌ای که در گرمای طاقت‌فرسا نداشت زیر آفتاب کار می‌کند و احتمالاً پوست و خون و جانش را زیر اشعه می‌گذارد بلکه آب یخ هم به جانش می‌دهد بلکه این سختی‌ها و تلخی‌ها را بشورد و ببرد. حالا احتمالاً باز عده‌ای پیدا شوند و بگویند آب یخ برای کبد خوب نیست. اما ظاهراً برای ما کار از این حرف‌ها گذشته است. آب برای ما مردم این شهر لعنتی دوست‌داشتنی از سر گذشته، و آب که از سر بگذرد چه یک نی چه صد نی.



عکس: معصومه علی‌اکبر/ایستنا

سمفونی خطوط